

## جرم خیانت به وطن در حقوق افغانستان و ایران

نگارنده: احمد شکیب صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده

قانون گذار ایران، تعریفی از خیانت به وطن نکرده و تفصیلی بین جاسوسی و خیانت به وطن قائل نشده است. قانون گذار افغانستان بین جاسوسی و خیانت به وطن، در کُد جزای افغانستان تفکیک قائل شده و بدون تعریف روشن از جرم جاسوسی و خیانت به وطن، آن ها را تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرم انگاری کرده است. باید توجه داشت که مبنای جرم بودن این عمل در حقیقت پیمان شکنی، بی وفایی و زیر پا گذاشتن حقی است که یک کشور و دولت به عهده شهروندان خود دارد؛ اگر مرتکب عمل مجرمانه مزبور، تبعه کشوری باشد که اعمال مزبور را علیه آن کشور مرتکب می شود، عمل وی خیانت به کشور نامیده می شود؛ ولی اگر مرتکب، تبعه کشوری خارجی باشد، عنوان عمل وی جاسوسی خواهد بود. این مقاله کتابخانه‌یی، داده‌های کیفی را به صورت تحلیلی - توصیفی شکل گرفته و در پی بررسی تطبیقی خیانت به کشور در حقوق ایران و افغانستان است. قانون گذار ایران و افغانستان به حکم همین حساسیت جنبه‌های مختلف و اشکال مختلف این عمل را جرم انگاری کرده‌اند. در ایران، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) و در قوانین افغانستان هم قانون جزای (۱۳۵۵) قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی (۱۳۶۶) و کُد جزای (۱۳۹۶) ۲۹۳۱ خیانت به وطن را جرم انگاری نموده است. این قانون «کُد جزا» به تازه‌گی نافذ و قوانین جزایی قبلی لنو اعلان شده است.

**واژه‌گان کلیدی:** جرم، مجازات، خیانت به وطن، تجاوز، جاسوسی، ایران و

افغانستان.

<sup>۱</sup> رئیس پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب - هرات

## مقدمه

خیانت به وطن عبارت است از سوء قصد بر ضد امنیت کشور به وسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است. باید توجه داشت که مبنای جرم بودن این عمل در حقیقت پیمان شکنی، بی وفایی، و زیر پا گذاشتن حقی است که یک کشور و دولت به عهده شهروندان خود دارد. صدماتی که کشورها در طول تاریخ از خیانت برخی اتباع خائن خود دیده اند، در اتخاذ این سیاست، جزایی شدید بی تأثیر نبوده است. اگر در مورد ارتکاب برخی جرایم، برای مثال سرقت، وضعیت متهم از حیث فقر یا غنا و از حیث بی کاری یا اشتغال و عوامل شخصی مانند چهل و بی سواد و جنسیت می تواند در میزان مجازات اثرگذار باشد، در مورد ارتکاب جرمی مانند خیانت به وطن نوعاً محکمه به این شاخص ها توجه نمی کند؛ ولو آن که منع قانونی برای توجه به این شاخص ها وجود ندارد. قانون گذار با صراحت در برخی موارد به این سیاست کیفری شدید در برخورد با چنین مجرمی تصریح می کند و مقام قضایی را از برخورد ارفاق آمیز منع می کند؛ اگر ما این جرم را شامل مصادیقی مانند خیانت به حاکم یا نماینده گان وی بدانیم ماهیتاً عمل خیانت آمیز جرمی سیاسی تلقی خواهد شد و برعکس، اگر عمل خیانت آمیز را فقط متوجه استقلال و تمامیت ارضی کشور باشد، باید آن را جرمی عمومی تلقی کرد. به نظر می رسد برای برون رفت از این مشکل باید برای آن بر حسب نوع مصداقی که اتفاق می افتد ماهیتی دوگانه قایل شد؛ اگر عمل موضوع خیانت منافع ملی شامل استقلال و تمامیت ارضی کشور باشد باید آن را جرمی عمومی تلقی کرد؛ ولی در صورتی که منافع حکومت، موضوع عمل خیانت آمیز مرتکب قرار بگیرد، باید آن را جرمی سیاسی تلقی کرد. تشخیص ماهیت این جرم و تمیز نوع سیاسی از نوع عمومی آن از نظر حقوقی نیز واجد اثر است. از این حیث، که اگر جرم سیاسی باشد مرتکب آن در صورت متواری شدن به یک کشور خارجی قابل استرداد نخواهد بود؛ ولی در غیر این صورت باید آن را قابل استرداد بدانیم. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع وفاداری ملی در ادبیات و رویکردهای سیاست و کشورداری مدرن، توجه به جرایم و جزاهای مدون حقوقی مرتبط با آن اهمیت به سزایی دارد؛ علاوه بر این، با در نظر داشت خلای پژوهشی این موضوع، با رویکرد مقایسه ای نظام های حقوقی افغانستان و ایران، می توان گفت که این پژوهش در ادبیات کشور ما افغانستان کاملاً جدید بوده و اهمیت زیادی خواهد داشت.

با درک این مهم، هدف این پژوهش آن است تا بدین پرسش پاسخ بگوید که: جرم خیانت به وطن در حقوق افغانستان و ایران دارای چه مصادیقی است و چه گونه قابل شرح و توضیح می باشند؟

نگارنده به گونهٔ تحلیلی - توصیفی، دو قانون را با مصادیق آن با استفاده از منابع کتابخانه به تحقیق نشسته و داده‌ها را به گونهٔ کیفی، تقدیم خواننده می‌نماید.

## ۱. مفهوم خیانت به وطن

خیانت در لغت به معنای نقیض امانت (طریحی؛ ۱۳۷۵: ۲۴۵) و به معنای منع حق است (قریشی؛ ۱۳۱۴: ۱۳۷۱). راغب می‌گوید: «خیانت و نفاق هر دو یکی است؛ ولی از طریق پیمان‌شکنی مخفیانه است و نیز به معنای بی‌وفایی و خُلف وعده و عهد آمده است». خیانت در اصطلاح از دستورات الهی خارج‌شدن و منهیات حق را مرتکب‌شدن، معنا شده است (برچی نژاد؛ ۱۳۹۳: ۲۴).

انسان به‌طور طبیعی گروه‌هایی را تشکیل می‌دهد. به این اعتبار لازم است از گروه حمایت شود. بخشی از این نیاز با وفاداری به گروه تأمین می‌شود. از خیلی وقت پیش خیانت تبدیل به واژه‌های قانونی شد و درواقع بخش اجتناب‌ناپذیر از موجود انسانی شد. در مورد خیانت به وطن در قوانین ایران تعریفی نشده است؛ اما ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه، طی نظریهٔ مشورتی شماره ۳۳۱۳ / ۳ - ۱۳ / ۲۱ / ۲۹۳۱ بیان داشته است که «خیانت به کشور آن‌است که شخص ایرانی عالماً و عامداً عملی انجام دهد که برخلاف مسائل امنیتی یا سیاسی یا اقتصادی کشور باشد». این تعبیر از خیانت به کشور دارای مفهوم موسعی است. وان‌گهی معلوم نیست که یک ایرانی چه زمانی برخلاف مسائل امنیتی یا سیاسی یا اقتصادی کشور عمل می‌کند، که عمل او خیانت به کشور است و چه زمانی اطلاعات سری و محرمانه را تحصیل می‌کند و آن‌ها را به دولت بیگانه تحویل می‌دهد و عمل او جاسوسی تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر، تعریف نه جامع‌است و نه مانع. عمل یک ایرانی در تحصیل اطلاعات و تحویل آن‌ها به یک دولت بیگانه از مصادیق بارز خیانت به وطن است و معلوم نیست که ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه چه‌گونه این عمل را هم جاسوسی تلقی می‌کند و هم خیانت به وطن؛ مگر این که انجام‌دادن عمل، برخلاف مسائل امنیتی صورت دیگر داشته باشد، که مدنظر ادارهٔ حقوقی بوده باشد (رحمدل؛ ۱۳۹۴: ۱۷۳).

در قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی افغانستان تعریفی از خیانت به وطن نیامده است؛ اما قانون‌گذار مصادیق آن را بیان نموده‌است. در این‌جا قانون‌گذار، جرم خیانت به وطن و جرم جاسوسی را یکی دانسته است؛ هم‌چنین در قانون جزا و قانون عسکری افغانستان تعریفی در زمینهٔ خیانت به وطن مشاهده نمی‌شود و این قوانین هم‌چنین به ذکر مصادیق پرداخته. در کُد جزای افغانستان که تازه نافذ و قوانین جزایی سابق لغو شده، خیانت به وطن

را تحت عنوان خیانت ملی جرم‌انگاری کرده است و به ذکر مصادیق آن در ماده ۸۳۲ پرداخته است.

## ۲. مفهوم جرم جاسوسی

فرهنگ عمید می‌نویسد: «جاسوس در لغت به معنی خبرکش، جست‌وجوکننده خبر، کسی که اخبار و اسرار شخصی و یا اداری یا مملکتی را به دست بیاورد و به دیگری اطلاع دهد، می‌باشد (۱۳۷۱: ۳۶۴).

برخی در تعریف جاسوسی مخفیانه‌بودن عملیات را جزء ماهیت و ذات آن تلقی می‌کنند و جاسوسی را به جمع‌آوری یا انتقال اطلاعات که از طریق ورود مخفیانه به مرزهای تحت کنترل منحصر به فرد یک سازمان، از جمله کانال‌های ارتباطی منحصر به فرد به دست آمده باشد تعبیر می‌کنند. اداره حقوقی قوه قضائیه ایران، جاسوسی را به این صورت تعبیر کرده است: «جاسوسی عبارت‌است از تحصیل اطلاعات سری و محرمانه و دادن آن‌ها به دولت یا دولت‌های بیگانه، اعم از این که مرتکب ایرانی باشد یا غیر ایرانی؛ اما خیانت به کشور آن‌است که شخص ایرانی عالماً و عامداً عملی انجام دهد که بر خلاف مسائل امنیتی یا سیاسی یا اقتصادی کشور باشد (ریاست جمهوری؛ مجموعه قانون مجازات اسلامی؛ ۱۳۸۲: ۳۳۵).

در کُد جزای افغانستان اعمالی که مرتکب جاسوسی می‌شود، بیان شده است. در ماده ۱۴۱ این قانون آمده است: هرگاه تبعه دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت، مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی جاسوسی شمرده می‌شود.

بنابراین، نظر به کُد جزای افغانستان، شخصی که اطلاعات، یا اسرار نظامی یا دفاعی افغانستان را به نفع کشور دیگر سوءاستفاده کند، در صورتی که تبعه دولت خارجی یا بدون تابعیت باشد، جاسوس خوانده می‌شود؛ اما دکتر عادل ساریخانی در این باره می‌گوید: «علمای حقوق در جاسوس‌شناختن کسی که اطلاعات جمع‌آوری شده را تسلیم دولت خارجی می‌کند، نظر مخالفی ابراز نکرده و کلیه حقوق‌دانان این مرحله را از مصادیق بارز جاسوسی و تسلیم‌کننده اطلاعات را جاسوس می‌شناسند (۱۳۸۴: ۸۹).

## ۳. عناصر خیانت به وطن در قوانین ایران و افغانستان

به لحاظ حقوقی برای آن که فعل انسانی جرم به‌شمار آید باید؛ نخست، قانون‌گذار این فعل را جرم شناخته و جزایی برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک

عمل مشخص به منصفه ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ این عناصر که در تمامی جرایم مشترک اند، عناصر عمومی نام دارند. جرم خیانت به وطن هم دارای این عناصر می باشد که در ادامه بدان پرداخته شده است:

### ۳-۱. عنصر قانونی

وجود قوانینی ثابت، که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس مناسبات خود را گسترش و سازمان دهند، شرط تضمین این حقوق و آزادی ها است. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در اجرای صحیح عدالت نیز بی تأثیر نیست؛ زیرا عدالت اقتضا می کند که همه در برابر قانون برابر باشند و وجود قوانین ثابت شایبه هرگونه غرض ورزی و جانب داری را برطرف می کند؛ پس به طور کلی یکی از مبانی مهم این اصل، اصل آزادی است؛ زیرا حرمت کرامت انسانی حکم می کند که حریم آزادی های او معلوم و محفوظ باشد. (اردبیلی؛ ۱۳۸۴: ۱۲۹).

اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها، صریحاً در قانون اساسی افغانستان، شناسایی شده است. ماده ۱۳ قانون اساسی افغانستان، بیان داشته است: «هیچ عملی جرم شمرده نمی شود؛ مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد».

پاراگراف ۹ در همین ماده بیان داشته است: «هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود؛ مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. در قانون جدید (کد جزای افغانستان) در کتاب دوم، تحت عنوان جرایم علیه امنیت داخل و خارجی در ماده ۱۳۹ مصادیق خیانت به وطن در دوازده مورد بیان شده است.

در ماده ۱۳۹ این قانون، مجازات جرم خیانت ملی را ذکر کرده است. مرتکب جرم خیانت ملی حسب احوال به مجازات ذیل محکوم می گردد: در صورت ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۲ تا ۳ ماده ۱۳۹ به حبس دوام درجه دو و در صورت ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۲۰ تا ۲۱ ماده ۱۳۹ به حبس طویل جرم انگاری شده است.

عنصر قانونی خیانت به کشور، قانون مجازات اسلامی ایران، سال ۱۳۹۲ و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح است؛ اگر در مورد نظامیان حکم خاصی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح وضع نشده باشد، تابع قانون مجازات اسلامی خواهند بود. به عبارت دیگر، در ارتباط با جرایم مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نظامیان اساساً تابع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و افراد عادی تابع قانون مجازات اسلامی هستند؛ ولی اگر

عملی در قانون مجازات اسلامی جرم شناخته شده باشد، ولی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جرم شناخته نشده باشد، نظامیان در موارد مزبور تابع قانون مجازات اسلامی خواهند بود و نمی‌توان به استدلال پیش‌بینی نشدن آن جرم در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح عمل نظامیان را جرم تلقی نکرد (کاتوزیان؛ ۱۳۸۳: ۱۷۱).

ناصر کاتوزیان در این باره می‌گوید: «در رابطه بین قانون قدیم و جدید، هر کدام که مصداق بیش‌تری داشته باشد، نسبت به دیگری عام و حکمی که، قلمرو اجرای آن وسعت کم‌تری دارد خاص است. (به نقل از رحمدل؛ ۱۳۹۴: ۱۷۵).

### ۲-۳. عنصر مادی

یکی از ارکان عمومی تشکیل‌دهنده جرم، رکن مادی می‌باشد که دارای مصادیق مختلفی است. به نظر می‌رسد با توجه به مواد قانونی، عنصر مادی جرم خیانت به کشور اصولاً فعل و عمل مثبت خائن به کشور می‌باشد.

جرم موضوع این ماده را می‌توان ذو وجهین تلقی کرد. بدین توضیح که هم می‌تواند جاسوسی تلقی شود و هم خیانت به وطن. با تحلیل عناصر جرم مطلب روشن‌تر خواهد شد. در ماده ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی ایران آمده است: «هرکس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و هم‌چنین اشخاصی که بدون اجازه مأموران یا مقامات ذی‌صلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکس‌برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دست‌گیر شوند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند. قانون‌گذار با استفاده از ادات عموم «هرکس» خصوصیت خاصی برای مرتکب پیش‌بینی نکرده است و مرتکب هم می‌تواند ایرانی باشد و هم خارجی؛ چون نه خارجی‌بودن شرط است و نه ایرانی‌بودن؛ لذا، اگر مرتکب خارجی باشد عمل او جاسوسی و اگر ایرانی باشد عمل او خیانت به وطن خواهد بود.

اگر مرتکب عمل مجرمانه مزبور تبعه کشوری باشد که اعمال مزبور را علیه آن کشور مرتکب می‌شود، عمل وی خیانت به کشور نامیده می‌شود؛ ولی اگر مرتکب، تبعه کشور خارجی باشد عنوان عمل وی جاسوسی خواهد بود؛ ولی قانون‌گذار ایران در استعمال این الفاظ دقت لازم ندارد و در قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، جرمی تحت عنوان خیانت به کشور دیده نمی‌شود و هرگونه افشای اسرار و اطلاعات یا تحصیل اطلاعات برای دولت خارجی به وسیله هرکسی که باشد، اعم از آن که مرتکب ایرانی باشد یا خارجی، تحت عنوان جاسوسی جرم‌انگاری شده است (رحمدل؛ ۱۳۹۴: ۱۶۷). در ماده

۱۹۳ کُد جزای افغانستان آمده است: «هرگاه تبعه دولت جمهوری اسلامی افغانستان مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی خیانت ملی شمرده می‌شود.

قانون‌گذار ایران و افغانستان عنصر تابعیت را در ارتکاب جرم جاسوسی و خیانت به کشور لحاظ کرده است. مثلاً از مرتکب عمل مجرمانه مزبور تبعه کشوری باشد که اعمال مزبور را علیه آن کشور مرتکب می‌شود عمل وی از نظر قوانین ایران و افغانستان خیانت به وطن نامیده می‌شود؛ چنان‌چه در ماده ۱۴۱ کُد جزا، قانون‌گذار ذکر کرده: «هرگاه تبعه دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی جاسوسی شمرده می‌شود.

در واقع کُد جزای افغانستان بین جرم جاسوسی و خیانت به کشور تفکیک قائل شده است. و عنصر تابعیت را در جرم جاسوسی و خیانت به کشور پذیرفته و در مواد قانونی مشخص ساخته است.

### ۳-۲-۱. موضوع جرم

موضوع جرم خیانت به کشور می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد؛ لیکن عنصر مشترک بین کلیه موضوعات به ظاهر متفاوت، اخلال در امنیت داخلی و خارجی کشور و اخلال در تمامیت ارضی و اعتبار و حیثیت کشور جمهوری اسلامی ایران است؛ ولی در عین حال، در هر یک از مواد قانونی، موضوع خاصی در نظر گرفته شده است. در قوانین ایران و افغانستان مصادیق مختلفی در جرم خیانت به کشور بیان شده است؛ اما موضوع مشترک در موضوع خیانت به کشور اخلال در امنیت داخلی و خارجی کشور و اخلال در تمامیت ارضی و اعتبار و حیثیت کشور افغانستان و ایران است.

### ۳-۲-۲. وسیله

باتوجه به ذکر مصادیق متعددی از انواع مختلف جرم خیانت به کشور در مواد قانونی، به نظر می‌رسد که وسیله، در ارتکاب جرم دخیل نیست و تنها ممکن است در پاره‌یی از مواضع از علل مشدده مجازات باشد. در قوانین ایران و افغانستان، اساساً وسیله در تحقق جرم مؤثر نیست؛ مگر این‌که قانون‌گذار تصریح به تأثیر وسیله در ارتکاب جرم کند. مانند کلاهبرداری که قانون‌گذار به متقلبانه‌بودن وسیله برای تحقق جرم مزبور تصریح کرده است.

### ۳-۲-۳. نتیجه

جرایم خیانت به کشور از حیث ترتب و حصول نتیجه با عدم آن یک سان نیستند؛ بنابراین، باتوجه به مواد قانونی، خیانت به کشور را می توان به جرایم مطلق و مقید تقسیم نمود:

**الف: جرم مقید:** چنان چه تحقق جرم مقید به ایجاد نتیجه یی باشد، یعنی اگر قانون گذار، حصول نتیجه یی را جزو عناصر تشکیل دهنده جرم منظور کرده باشد، جرم را مقید می نامند (شامبیاتی؛ ۱۳۸۴: ۳۹۲).

**ب: جرایم مطلق:** در مقابل جرایم مقید، جرایم مطلق قرار دارند. در این جرایم، به گونه استثنای ارتکاب عمل خاص یا به کار بردن وسیله خاص، صرف نظر از تحقق نتیجه، موجب ارتکاب جرم است؛ مثلاً در قانون جزای فرانسه، سم دادن، یک جرم مطلق است؛ چون در این قانون خوردن مواد سمی، صرف نظر از نتایجی که ممکن است از این عمل حاصل شود، جرم دانسته شده است (همان: ۲۶۲).

### ۳-۲-۴. رابطه علت

بدیهی است در جایی که جرم خیانت به کشور، از قبیل جرایم مقید به نتیجه است، وجود رابطه علت بین عمل ارتكابی خائن و نتیجه به دست آمده ضروری است؛ به عنوان مثال، تحریکی مؤثر در مقام است که علت فرار نظامی یا عصیان وی باشد، در این صورت اگر نظامی به علت دیگری مبادرت به فرار نماید و عمل تحریک آمیز شخص محرک، بی اثر باشد. در مورد جرایم علیه امنیت، قانون گذار ایران و افغانستان در رابطه با اعمال ضمانت اجرای جزایی مرتکبان این دسته از جرایم هیچ گاه منتظر حصول نتیجه از سوی آنان نمی نشینند؛ چرا که وقتی در این نوع جرایم نتیجه حاصل شود، دیگر امنیتی حاصل نخواهد بود تا در سایه آن، مجرم عقوبت کار خویش را ببیند و مقررات جزایی اجرا شود.

### ۳-۳. عنصر روانی (معنوی)

معیار روانی (نیت فاعل جرم)؛ یعنی اگر نیت فاعل ضرر رساندن به امنیت کشور و دولت باشد عملش خیانت است و در صورتی که قصدش رسیدن به مطامع نفسانی باشد و جاسوسی را برای رسیدن به آن مرتکب شود، خائن نخواهد بود. عنصر روانی جرم خیانت به کشور اصولاً از جرایم عمدی است و محکمه باید علم و عمد مرتکب را احراز نماید.

خیانت به کشور جرایم عمدی محسوب می‌شود. وقتی مرتکب، قابل مجازات است که علاوه بر عناصر مادی و قانونی که قبلاً بیان شد، عمل خیانت به کشور را با علم و اطلاع و عمد و به قصد اضرار به کشور انجام داده باشد، ولی اگر خیانت به کشور را بدون علم و اطلاع و عمد، بر اثر جهل یا غفلت مرتکب شود، عناصر جرم کامل نبوده و عنوان خائن ملی به آن صدق نمی‌کند؛ بنابراین، قانون‌گذار جمهوری اسلامی، امکان ارتکاب غیرعمدی عمل جاسوسی و خیانت به کشور را در ماده ۲۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح پیش‌بینی کرده و مقرر می‌کند: هر نظامی که بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشا یا فقدان اسناد مذکور، بر اساس ماده ۲۹ بشود باتوجه به طبقه‌بندی اسناد افشا شده، به ترتیب ذیل محکوم می‌شود. قانون‌گذار جهت جلوگیری از مسامحه و بی‌توجهی پرسونل نظامی در حراست از اسناد و رعایت ضوابط و مقررات مربوط به حفظ و نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده، در ماده ۲۴ قانون مزبور، افشای غیرعمدی اسناد طبقه‌بندی شده از ناحیه نظامیان را مستحق تعقیب کیفری قرار داده است؛ بنابراین، عنصر روانی جرم، افشای غیرعمدی اسناد طبقه‌بندی شده ناشی از تقصیر یا خطای جزایی نظامیان است که حفظ و نگهداری از این اسناد را بر عهده دارند و تقصیر مرتکب، شامل بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی پرسونل نظامی است که تقصیر مزبور موجب افشا یا از بین رفتن اسناد مذکور می‌شود. در کُد جزای افغانستان، جرم خیانت ملی از جرایم عمدی محسوب می‌شود؛ چنانچه در کُد جزای افغانستان، غفلت یا بی‌احتیاطی موظف خدمات عامه را در ماده ۱۴۱ این گونه بیان کرده است: «هرگاه جرایم مندرج مواد ۱۹۳ و ۱۴۱ این قانون به اثر غفلت یا بی‌احتیاطی موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، موظف مذکور به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد. مواد ۱۹۳ و ۱۴۱ کُد جزای افغانستان، در مورد جرم خیانت ملی و جاسوسی می‌باشد، که مرتکبان آن را قانون‌گذار جرم‌انگاری کرده و در صورتی که ارتکاب عمل آن‌ها در صورت بی‌احتیاطی و غفلت باشد، بازهم قانون‌گذار، غفلت و بی‌احتیاطی را معاف از مجازات ندانسته و نتیجه جرم را به دلیل این که جرم خیانت به کشور، از جرایم عمدی است جرم‌انگاری کرده است.

### ۳-۱-۳. مصادیق خیانت به وطن

قانون‌گذار ایران تفصیلی بین جاسوسی و خیانت به وطن قائل نشده است. باتوجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان مصادیق هر یک از مفاهیم جاسوسی و خیانت به وطن را شناسایی کرد. منبع این شناسایی قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح است.

در رابطه بین این دو قانون نیز باید گفت اگر در مورد نظامیان حکم خاصی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح وضع نشده باشد؛ تابع قانون مجازات اسلامی خواهد بود. به عبارت دیگر، در ارتباط با جرایم مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نظامیان اساساً تابع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و افراد عادی تابع قانون مجازات اسلامی هستند، ولی اگر عملی در قانون مجازات اسلامی جرم شناخته شده باشد، ولی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جرم شناخته نشده باشد، نظامیان در موارد مزبور تابع قانون مجازات اسلامی خواهند بود و نمی‌توان به استدلال پیش‌بینی نشدن آن جرم در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح عمل نظامیان را جرم تلقی نکرد (رحمدل؛ ۱۳۸۴: ۱۷۸). گروهی از حقوق‌دانان جرایم علیه امنیت خارجی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند: یک دسته جرایمی که با نام خیانت به کشور شناخته می‌شود و دسته دوم جرایمی که جاسوسی نامیده می‌شود. تمایز میان این دو جرم بسیار دشوار است؛ از این رو، گروهی از دانش‌مندان حقوق این تمایز را نپذیرفته‌اند. در قوانین بعضی کشورها عنصر تابعیت وجه ممیز جرم خیانت به کشور و جرم جاسوسی قرار گرفته است. بدین معنا که جرایم بر ضد امنیت خارجی؛ چنان‌چه از سوی اتباع کشور صورت گیرد خیانت به کشور محسوب می‌شود. چنان‌چه از سوی بیگانه‌گان باشد جاسوسی به حساب می‌آید. قانون‌گذار افغانستان این تفکیک را پذیرفته و در کُد جزای افغانستان خیانت به وطن و جاسوسی را در عنوان‌های مجزا جرم‌انگاری کرده است. در عناوین ذیل به بررسی مصادیق خیانت به وطن پرداخته شده است:

### ۳-۱-۱-۳. قرارداد اراضی دولت، تحت حاکمیت دولت خارجی

این جرم در قانون ایران به نام، «جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا لطمه‌واردکردن به استقلال و تمامیت کشور ایران» و در قوانین افغانستان این جرم تحت عنوان قرارداد اراضی دولت افغانستان، تحت حاکمیت دولت خارجی جرم‌انگاری شده است.

### ۳-۱-۱-۳. رکن قانونی جرم

اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یک‌دیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است.

هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌یی وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. «در ماده ۳ قانون ارتش ایران آمده‌است: «آماده‌گی و مقابله در برابر هرگونه تجاوز نظامی علیه استقلال، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور را از مأموریت‌ها و وظایف ارتش دانسته است». هم‌چنین در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بیان شده است: «هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه‌واردکردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود» (یزدانیان؛ ۱۳۸۳: ۲۵). در قانون مجازات اسلامی آمده است: ماده ۵ «هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر یا جرایم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیده‌گی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، محکمه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند.

در ماده ۱۹۳ کُد جزای افغانستان، قانون‌گذار عملی را که در نتیجه آن اراضی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تماماً یا قسمی تحت حاکمیت دولت خارجی یا نیروهای مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار گیرد یا استقلال کشور را به مخاطره اندازد، خائن ملی قلمداد کرده است. مرتکب خصوصیت ندارد، یعنی فرق نمی‌کند که از منسوبین قوای مسلح دولت افغانستان باشد یا این که جزو افراد نظامی نباشد، بل که از افراد عادی باشد یا کارمندان دولتی یا مأموران ملکی باشد، خائن ملی است؛ زیرا قانون‌گذار به کلمه «هر عملی» تصریح کرده است، که در جرم ارتكابی، شغل، سمت افراد و جای‌گاه حقوقی دخالتی در خصوصیت ندارد.

### ۲-۱-۱-۳-۳. رکن مادی جرم

«هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه‌واردکردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود». عنصر مادی این جرم، اقدام جهت جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، یا لطمه‌واردکردن به تمامیت

ارضی یا استقلال کشور توسط شخص نظامی می‌باشد (یزدانیان؛ ۱۳۸۳: ۲۵)؛ بنابراین، هر نظامی که این اقدام را انجام دهد؛ رکن مادی تحقق یافته است. نظر به ماده ۱۹۳، بند دوم کُد جزای افغانستان، «عملی که در نتیجه آن تمام یا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان از اداره آن خارج شود»، عنصر مادی این جرم را تشکیل می‌دهد؛ در صورتی که عملی، منجر به نتیجه نگردد، عنصر مادی آن تحقق نیافته است؛ بنابراین، تفاوت در این است که در حقوق ایران در عنصر مادی این جرم، «اقدام» جهت این کار و در حقوق افغانستان «عملی که نتیجه آن»، این جرم واقع شود، رکن مادی تحقق می‌یابد. بناءً در حقوق افغانستان قانون‌گذار تحقق این جرم را در صورت تحقق نتیجه، جرم‌انگاری کرده است، نه اقدام به آن.

## ۱-۲. رکن روانی جرم

قانون‌گذار ایران، این جرم مقید به حصول نتیجه، یعنی جداکردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی، یا لطمه واردکردن به تمامیت ارضی یا استقلال کشور نمی‌باشد و صرف اقدام در این راستا جهت تحقق عنوان مجرمانه کفایت می‌کند؛ ولی در حقوق افغانستان قانون‌گذار تحقق این جرم را منوط به نتیجه گذاشته است و هر عملی که تماماً یا قسمتی از اراضی دولت افغانستان از اداره خارج شود را جرم‌انگاری کرده است.

## ۲-۲. مجازات جرم

در قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات این جرم محکوم به مجازات تعزیری و در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجازات این جرم، به مجازات جرم محارب محکوم می‌باشد. این جرم در افغانستان تحت عنوان، «قراردادن اراضی دولت افغانستان تحت حاکمیت دولت خارجی»، جرم‌انگاری شده و در کُد جزای افغانستان مجازات این جرم به حسب دوام درجه دو است.

## اغوای نظامیان در جهت الحاق به دشمن توسط سایر نظامیان در زمان

### جنگ:

در قوانین ایران، این جرم تحت عنوان «اغوای نظامیان در جهت الحاق به دشمن توسط سایر نظامیان در زمان جنگ» و در قوانین افغانستان تحت عنوان، «تسلیمی نیروهای امر به دشمن» جرم‌انگاری شده است.

## ۱. رکن قانونی جرم

در ماده ۱۲ قانون جرایم نیروهای مسلح ایران، نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند، چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند: الف، هر نظامی که افراد تحت فرمان‌دهی خود یا پای‌گاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و سازوکار نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظایر آنها را به دشمن تسلیم یا افشا نماید. ب، هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تباری کند؛ ج، هر نظامی که برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروه‌ها یا دسته‌جات محارب و مفسد جمع‌آوری نیرو یا کمک نماید یا سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محارب‌ان و مفسدان اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد. در مورد ارتکاب این جرم در کُد جزای افغانستان می‌تواند به ماده ۱۹۳ بند سوم اشاره کرد که «تسلیمی نیروهای تحت امر به دشمن» را قانون‌گذار به عنوان خیانت ملی قلمداد کرده است. قانون‌گذار افغانستان در صورتی که شخص نظامی، نیروهای تحت امر را به دشمن تسلیم کند، در قانون جرم‌انگاری کرده است.

## ۲. رکن مادی جرم

اگر ارتکاب جرایم مذکور در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده، که فی نفسه حکایت از همکاری و تباری با دشمن دارد به منظور براندازی نظام باشد مرتکب به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌شود (یزدانیان؛ ۱۳۸۳: ۱۹). جرم‌انگاری این جرم در کُد جزای افغانستان را می‌توان از ماده ۱۹۳ بند سوم دانست که «تسلیمی نیروهای تحت امر به دشمن» را قانون‌گذار به عنوان خیانت ملی قلمداد کرده است. فعل مثبت مادی از نوع تحریک و زمینه‌ساز الحاق عساکر و پرسونل قوای مسلح دولت افغانستان به دولت متخاصم است. منظور از تسلیمی نیروهای تحت امر در واقع واردشدن عساکر و منسوبین قوای مسلح کشور به داخل‌شدن زیر پرچم و بیرق کشور خارجی در حال جنگ با دولت افغانستان است. فرق نمی‌کند از طریق سخن‌رانی و گفتار مستقیم باشد یا از طرق رسانه‌های اطلاعات جمعی و همه‌گانی مانند رادیو و تلویزیون یا جراید و مطبوعات یا به‌وسیله پیام‌های کوتاه تلفنی. قانون‌گذار «تسلیم» را به طور مطلق، عنصر مادی جرم دانسته است و مقید به ابزار خاص نیست. منظور زمینه‌سازی برای الحاق و پیوستن عساکر و نیروهای نظامی دولت افغانستان (که تحت امر باشد) به دولت خارجی در حال جنگ است.

اگر فردی با دولت خارجی وارد تبانی و معامله شود که زمینه پیوستن قوای مسلح افغانستان را به نیروهای دشمن مساعد سازد، مرتکب جرم خیانت به وطن شده است و مشمول مجازات ماده فوق می شود.

### ۳. رکن روانی جرم

رکن روانی این جرم در صورتی تحقق پیدا می کند که مرتکب این جرم به قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و یا همکاری با دشمن آن هم با علم بر این که این عمل تأثیر در براندازی حکومت دارد؛ دست به این عمل بزند؛ بنابراین، علم به نتیجه تحقق جرم ضروری است و مرتکب باید قصد انجام کار را برای حصول نتیجه داشته باشد. در این ماده ذکر شده است که تسلیمی نیروهای تحت امر، بنابراین اگر مرتکب در صورتی که نیروهای تحت امر را تسلیم کند مرتکب این جرم شده است و تسلیمی نیروهای تحت امر مقید به نتیجه است؛ اما عمد و قصد متهم باید برای محکمه احراز شود؛ چنان که در ماده ۱۹۳ کد جزای افغانستان آمده است: «تسلیم نیروهای تحت امر در این ماده ذکر شده است که تسلیم نیروهای تحت امر، بنابراین اگر مرتکب در صورتی که نیروهای تحت امر را تسلیم کند مرتکب این جرم شده است. و تسلیمی نیروهای تحت امر مقید به نتیجه است؛ اما عمد و قصد متهم باید برای محکمه احراز شود.

### ۴. مجازات جرم

قانون گذار ایران مقرر نموده، چنانچه جرایم مندرج در بندهای «الف» و «ب» و «ج» قانون جرایم نیروهای مسلح، به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، مجازات محارب و در غیر این صورت سه تا پانزده سال حبس دارد. هم چنین در قانون مجازات اسلامی ایران، آمده است: «نظامیانی که ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن در براندازی، حکم محارب اند و در غیر این صورت به ۱ تا ۲۱ سال حبس تعزیری محکوم می شوند.» در قانون جزای عسکری افغانستان، کسی که نیروهای تحت امر را به دشمن واگذار کند به جزای حبس از پانزده الی بیست سال یا اعدام محکوم می گردد. در کد جزای افغانستان قانون گذار، مرتکب این جرم را به حبس دوام درجه دو محکوم کرده است.

### ج. تبانی نظامیان با دشمن

این جرم در قوانین ایران تحت عنوان، «تبانی نظامیان با دشمن» و در قوانین افغانستان، تحت عنوان «پیوستن به قوای مسلح دولت خارجی یا گروه مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان» به عنوان خیانت ملی شناخته شده است.

#### ۱. رکن قانونی جرم

در سال ۱۳۹۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، به جرم‌انگاری مواردی از تبانی توسط نیروهای مسلح پرداخت. ماده ۲۳ این قانون طراحی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، تشکیل یا اداره کردن جمعیتی به این منظور، و عضویت یا معاونت در این جمعیت را از سوی اشخاص نظامی، محاربه دانسته است. ماده ۲۳ این قانون تشکیل جمعیتی با بیش از دو نفر به منظور برهم زدن امنیت کشور را جرم و در صورت عدم صدق محاربه، مستلزم مجازات حبس تا ۱ سال دانسته است. در ماده ۱۲ تبانی نظامیان با دشمن به منظور براندازی، در ماده ۹۹ ترمد دسته جمعی و با تبانی، در ماده ۴۹ ترک نگهداری در اثر تبانی، در ماده ۳۴ فرار بیش از دو نفر از خدمت با تبانی و در ماده ۲۲۱ تبانی نظامیان در معاملات مربوط به نیروهای مسلح جرم‌انگاری شده است. در کد جزای افغانستان، ماده ۱۹۳ فقره ۳ آمده است: «پیوستن به قوای مسلح دولت خارجی یا گروه مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان» به عنوان خیانت ملی شناخته شده است. که مجازات این جرم حبس طویل می‌باشد.

#### ۲. رکن مادی جرم

در جرم تبانی، رفتار مجرمانه ایجابی است؛ یعنی با انجام فعل مثبت، محقق می‌شود. در نظام انگلوساکسون توافق عنصر اساسی جرم تبانی شمرده می‌شود. منظور از توافق، تلاقی ذهن‌ها است و نیازی به ملاقات جسمی میان مرتکبان نیست؛ البته صرف مذاکره به معنای توافق نیست؛ بل که حصول توافق اساسی برای تحقق جرم کافی است و مذاکره در جزئیات برای تحقق آن شرط نیست (صادقی؛ ۱۳۸۳: ۲۳۳). در این سیستم، صرف توافق و نقشه کشی بدون عمل عینی و بیرونی برای جرم کفایت می‌کند و نیازی به عملی کردن نقشه نیست (نجف‌پور؛ ۱۳۹۳: ۲۲۴). تحلیل جرم تبانی به‌ویژه در حقوق و رویه قضائی ایران به خوبی صورت پذیرفته است. بدین امر باید کمبود جدی دکتترین و نظریه‌پردازی و تفسیر علمی در این باب را بیفزاییم. برخی گفته‌اند اساساً تفکیک بین رکن مادی و روانی تبانی

آسان نیست؛ زیرا رکن مادی تبانی، توافق است که در واقع یک عمل کرد ذهنی است. به نظر می‌رسد این برداشت صحیح نیست. خلط رفتار مجرمانه و قصد مجرمانه در یک جرم، مخالف اصول اساسی و اولیه حقوق کیفری عمومی است.

### ۳. رکن روانی جرم

در جرم تبانی علیه امنیت آن چه رکن روانی را شکل می‌دهد توافق برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور است. در جرم تبانی علیه امنیت، انگیزه هم اخلال در امنیت کشور است. اصولاً انگیزه در تحقق رکن روانی بی‌تأثیر است؛ یعنی بدون انگیزه می‌توان رکن روانی جرم را تحلیل کرد، درحالی که در جرم تبانی علیه امنیت کشور اگر قصد ارتکاب جرم علیه امنیت را برداریم، نمی‌توانیم عنصر روانی این جرم را تحلیل کنیم، چرا که هر توافقی جرم تبانی علیه امنیت کشور نیست؛ بنابراین، صرف قصد توافق برای تحقق رکن روانی جرم تبانی علیه امنیت کشور کافی نیست؛ بل که لازم است توافق، به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور حاصل گردد. اشتباه، شوخی و موافقت ظاهری بدون قصد اجرای توافق از موجبات مخدوش شدن رکن روانی و عدم تحقق جرم تبانی علیه امنیت کشور است؛ بنابراین، اگر کسی از روی شوخی یا آزمایش اعتقاد سیاسی طرف مقابل یا به تصور آن که عمل مورد توافق جرم نیست با دیگری توافق کند جرم تبانی علیه امنیت رخ نداده است (صادقی؛ ۱۳۸۳: ۲۲۳). توافق مشروط، جرم تبانی را محقق نمی‌سازد؛ بل که در تبانی باید به طور منجز بر ارتکاب جرم توافق کنند. مرتکبان باید قصد توافق و تبانی و علم به جرم بودن موضوع توافق داشته باشند؛ بنابراین، اگر مرتکب جاهل به موضوع باشد، اما بعد متوجه سوء نیت مرتکبان مبنی بر اخلال در امنیت کشور شود به علت فقد سوء نیت خاص، مرتکب جرم نشده است. رسیده‌گی به جرم تبانی علیه امنیت مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت محکمه انقلاب است. جرم تبانی علیه امنیت، یک جرم عمدی است؛ زیرا بدون عمد اساساً توافق اولیه فرصت انعقاد پیدا نمی‌کند و جرم تبانی محقق نمی‌شود (پیمانی؛ ۱۳۷۴: ۱۰). شروع به تبانی در قوانین ایران، قابل مجازات نیست؛ زیرا قانون‌گذار به جرم بودن آن تصریح نکرده است.

### ۴. مجازات جرم

علت جرم‌انگاری تبانی، افزایش خطرناکی جرایم گروهی و جمعی، کاهش احتمال بازگشت این دسته از مجرمان از مسیر مجرمانه، تهدید جدی جامعه، لزوم پیش‌گیری از

صدمات آتی به حیات جامعه و پیچیده‌گی مبارزه اجتماعی با جرایم سازمان‌یافته بیان شده است. در ماده ۱۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ایران آمده است: «نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند، چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و هم‌کاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به سه تا پانزده سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند: «الف: هر نظامی‌یی که افراد تحت فرمان‌دهی خود یا پای‌گاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و سازورگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظایر آن‌ها را به دشمن تسلیم یا افشا نماید. ب: هر نظامی‌یی که برای انجام مقاصد دشمن با او تباری کند». در قانون جرایم داخلی و خارجی افغانستان آمده است: «هرگاه شخص به منظور به‌دست‌آوردن منفعت مادی یا معنوی برای خود یا شخص دیگر به قوای دشمن طور مستقیم یا غیرمستقیم در غیر از حالات مندرج مواد این قانون خدمتی را انجام دهد به جزای حبس طویل که از ده سال بیش‌تر نباشد محکوم می‌گردد». در ماده ۱۹۳ کُد جزا، فقره ۳ آمده است: «پیوستن به قوای مسلح دولت خارجی یا گروه مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان» به عنوان خیانت ملی شناخته شده است، که مجازات این جرم حبس طویل می‌باشد.

### د: تسلیم اسرار نظامی یا سایر تجهیزات نظامی به دشمن

در مورد جاسوسی در قوانین ایران تعریفی نشده، اما اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی، جاسوسی را به این صورت تعبیر کرده است: «جاسوسی عبارت است از تحصیل اطلاعات سری و محرمانه و دادن آن‌ها به دولت یا دولت‌های بیگانه اعم از این که مرتکب ایرانی باشد یا غیر ایرانی». در قوانین افغانستان هم تعریف خاصی از جاسوسی دیده نمی‌شود و قانون‌گذار در کُد جزا صرف به مصادیق آن پرداخته است.

### ۱. رکن قانونی جرم

قانون‌گذار ایران در ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب «۱۳۹۲/۳/۲۱» هر نظامی‌یی که اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را در اختیار افرادی که صلاحیت اطلاع نسبت به آن‌ها را ندارند؛ قرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد مجازات خواهد شد. رکن قانونی جاسوسی در کُد جزای افغانستان، در ماده ۴۱ بیان شده است: هرگاه تبعه دولت خارجی یا شخص بدون تابعیت، مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، عمل وی جاسوسی شمرده می‌شود:

۱. تسلیم‌دهی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشته‌گان آن‌ها؛
۲. سرقت یا جمع‌آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به منظور تسلیم‌دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشته‌گان آن‌ها؛
۳. جمع‌آوری یا تسلیم‌دهی معلومات به دستور اطلاعات و استخبارات دولت خارجی که از آن علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان سوءاستفاده به عمل آمده بتواند.

## ۲. رکن مادی

علاوه بر رفتار مجرمانه، کلیه شرایطی که به جنبه مادی و خارجی جرم (پیکره جرم) مربوط می‌شوند و به قصد و اراده مرتکب مربوط نیستند، تحت عنوان رکن مادی مطرح می‌گردند که در زیر توضیح داده می‌شود:

### ۲-۱. رفتار مجرمانه

به‌طور کلی ارائه اسرار یا اسناد و یا تصمیمات به دیگری ممکن است از طریق مطلع کردن او باشد که معمولاً به طور شفاهی صورت می‌گیرد و یا از طریق در اختیار قرار دادن آن‌ها صورت گیرد که معمولاً از طریق کتبی و یا به طریق تسلیم سند یا نقشه واقع می‌شود که هر دو صورت رفتار مرتکب، فعل مثبت است و شامل ترک فعل نمی‌شود؛ لذا خواه مرتکب کارمند دولت باشد و به لحاظ مأموریت موضوعات مذکور آن را در اختیار داشته باشد و خواه فردی عادی بوده، از راه‌های دیگری اطلاعات و اسناد مذکور را تحصیل کرده باشد، در صورت تسلیم آن‌ها به افراد فاقد صلاحیت یا مطلع کردن افراد مذکور از اطلاعات مورد نظر، مشمول حکم قانون می‌شود.

### ۲-۲. موضوع جرم

موضوع این جرم عبارت است از نقشه، اسرار، اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی و خارجی کشور که بیش‌تر مربوط به جنبه اعمال حمایت دولت است. منظور از نقشه‌ها، کروکی استحکامات با اسلحه‌خانه و انبار مهمات یا بنادر و یا اسکله‌های دولتی یا پای‌گاه‌ها و سربازخانه‌ها و یا نقشه حرکات جنگی و نقشه کارخانه‌جات و پل‌ها و سدها و نیروگاه‌ها و معادن و امثال آن و اسنادی است که مؤثر در سیاست داخلی یا خارجی و در نهایت برضد امنیت داخلی و خارجی کشور است.

### ۳. وسیله مجرمانه

جرایم به لحاظ وسیله مورد استفاده فاعل متفاوت اند. در بعضی جرایم، وسیله در تحقق جرم بی تأثیر است و رفتار مجرمانه با هر وسیله‌ای واقع شود، جرم تحقق پیدا می‌کند؛ مانند قتل، سرقت، در برخی دیگر به رغم آن که وسیله در تحقق جرم مؤثر نیست، ممکن است در تشدید مجازات مرتکب مؤثر باشد، مانند سرقت که اگر مسلحانه باشد، مجازات مرتکب تشدید می‌شود، هرچند ماهیت سرقت مسلحانه با سرقت ساده که ربودن بدون رضای مال غیراست، تفاوتی ندارد. ماهیت بعضی جرایم به نحوی است که در تحقق آن‌ها به کاربردن وسیله توسط مرتکب شرط شده است؛ مانند کلاهبرداری. برای تحقق این جرم استفاده از وسیله خاصی مورد نظر نیست و به هر طریقی خواه تسلیم کتبی، شفاهی، از طریق تلکس، فاکس، تلفن پست الکتریکی و غیره، که موضوع جرم در اختیار فرد فاقد صلاحیت قرار گیرد مشمول عنوان مذکور است. (حبیب زاده؛ ۱۳۸۷: ۵۴).

### ۴. شخصیت بزه‌کار

مرتکب ممکن است کارمند دولت و مسؤول نگهداری اسناد و اطلاعات مذکور باشد و یا نباشد. در خصوص نظامیان باتوجه به ماده ۱۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، اگر فرد نظامی مرتکب جرم مذکور شود، بر اساس ماده اخیرالذکر مجازات می‌شود.

### ۵. شخصیت ذی نفع

در این ماده، فرد غیر صالح عام است؛ خواه متعلق به تشکیلات صاحب سر (بزه‌کار) باشد و خواه نباشد و خواه تبعه ایران و یا اجنبی باشد، تفاوتی نمی‌کند. مهم این است که فردی که اطلاعات به او تسلیم شده، صلاحیت وقوف بر آن را نداشته باشد ولو این که خود از افراد مسؤول در نظام سیاسی و اداری بوده و برحسب مورد واجد اطلاعاتی است که اختصاصی به او دارد (حبیب‌زاده؛ ۱۳۸۷: ۴۶).

### ۶. نتیجه مجرمانه

در جرم مذکور صرف ارتکاب رفتار مجرمانه که رفتاری مرکب است جمع‌آوری و تسلیم موجب تحقق جرم است. به عبارت دیگر، جرم مذکور از جرایم مطلق است و همین که نقشه یا سند یا تصمیم عالماً و عامداً در اختیار فرد فاقد صلاحیت قرار گیرد (تحقق رفتار مجرمانه) جرم کامل شده است. برخی معتقدند که رفتار مجرمانه این جرم، شامل جمع‌آوری اطلاعات و

اسناد و نتیجه محرمانه عبارت از تسلیم آن‌ها به افراد فاقد صلاحیت است؛ درحالی که به نظر می‌رسد رفتار مجرمانه این جرم مرکب بوده و زمانی که جزء اول رفتار مجرمانه (جمع‌آوری اطلاعات) با جز دوم (تسلیم اطلاعات) همراه شود، جرم محقق می‌شود. از آن‌جا که ماده تصریح دارد که باید متضمن نوعی جاسوسی باشد؛ به نظر می‌رسد نتیجه مترتب بر تسلیم اطلاعات، تضمن به نوعی جاسوسی است که مستلزم وجود مواضع و تبانی با دولت خارجی است، تا اطلاعات و اسناد تسلیمی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد (هوشیار؛ ۱۳۸۷: ۵۸).

### ز: خیانت به کشور بر اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی

در قوانین ایران، این جرم تحت عنوان، «خیانت به کشور بر اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی» و در قوانین افغانستان تحت عنوان «غفلت یا بی‌احتیاطی مؤلف خدمات عامه»، جرم‌انگاری شده است.

#### ۱. رکن قانونی جرم

ماده ۱۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۹۳۱ چنین بیان می‌دارد: «هر نظامی که پس از آموزش لازم در مورد حفاظت اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانه‌گان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود.

«در صورتی که در ماده ۱۳ علاوه بر دشمنان، تخلیه اطلاعاتی توسط بیگانه‌گان نیز مستوجب مجازات دانسته شده است». «بیگانه‌گان» لفظ عامی است که افراد بیگانه غیر دشمن را نیز در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، قانون‌گذار نسبت به وقوع این جرم در سطح نیروهای مسلح، حساسیت بیش‌تر نشان داده و تلاش کرده است تمام مصادیق تخلیه اطلاعاتی را تحت شمول ماده مزبور قرار دهد. در اثر غفلت یا بی‌احتیاطی مؤلف خدمات عامه، در ماده ۱۴۱ کد جزای افغانستان آمده است: «هرگاه جرایم مندرج مواد ۱۹۳ و ۱۴۱ این قانون بر اثر غفلت یا بی‌احتیاطی مؤلف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مؤلف مذکور به حداکثر حبس متوسط، محکوم می‌گردد». ماده ۱۹۳ کد جزا مربوط به جرایم خیانت ملی و ماده ۱۴۱ مربوط به جرایم جاسوسی است.

## ۲. رکن مادی

در تکوین و تحقق جرم مزبور دو نفر نقش ایفا می‌کنند؛ از یک طرف تخلیه‌کننده یا به تعبیر ماده قانون دشمن و از طرف دیگر تخلیه‌شونده یا مأمور دولتی آموزش‌دیده و مسؤول امور حفاظتی و اطلاعاتی، که البته بین آن‌ها هیچ‌گونه وجه اشتراک و یا اتحاد منافع و یا توافقی برای تحقق جرم وجود ندارد. تخلیه‌کننده یا دشمن با هدف به دست آوردن اطلاعات مورد نظر خویش، به فردی مراجعه می‌کند که در واقع، تمام تلاش و سعی او حفظ این اطلاعات از دست‌برد عوامل دشمن است؛ بنابراین، ناگزیر است برای وصول به منظور خویش، مبادرت به طراحی و زمینه‌چینی مناسب نماید، کما این که از عبارت «تخلیه اطلاعاتی» به کار رفته در ماده قانونی نیز نوعی زمینه‌چینی استفاده می‌شود و همان‌طور که قبلاً گفتیم، در عمل نیز عامل دشمن با زمینه‌چینی و طرح‌ریزی قبلی به مأمور دولتی مراجعه می‌کند (کرامت؛ ۱۳۸۹: ۱۲۲)؛ بنابراین، رفتار مجرمانه محقق‌کننده جرم اعم از فعل و ترک فعل، براین اعتقاد اند که «عنصر مادی این جرم، بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی است ...، که ممکن است به صورت فعل مثبت یا گفتار یا ترک فعل محقق شود (زراعت؛ ۱۳۸۸: ۹۵).

## ۳. رکن روانی جرم

جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی‌شده (تخلیه اطلاعاتی) از جرایم غیر عمدی و رکن روانی آن از نوع خطای جزایی است. قانون‌گذار ایران با استفاده از عبارت «در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی»، به این موضوع تصریح کرده است. از آن‌جا که در مواد قانونی مربوط به این جرم فقط دو مصداق از مصادیق خطا ذکر شده و اشاره‌ای به سایر مصادیق صورت نگرفته است، نمی‌توان با این توجیه که «قانون‌گذار در مواد مختلف، این واژه‌ها را فراوان به جای یک‌دیگر به کار می‌برد (همان: ۶۰). برخلاف اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، اعمال دیگر ناشی از مصادیق ذکرشده خطا را که قانون به آن‌ها نپرداخته، مشمول حکم دانست. در کد جزای افغانستان به جرم‌انگاری شخصی که در اثر غفلت یا بی‌احتیاطی تخلیه اطلاعاتی می‌شود پرداخته و در ماده ۱۴۱ قانون اشعار می‌دارد: «هرگاه جرایم مندرج مواد ۱۹۳ و ۱۴۱ این قانون بر اثر غفلت یا بی‌احتیاطی موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، موظف مذکور به حداکثر حبس متوسط، محکوم می‌گردد؛» بنابراین، این جرم از جرایم غیر عمدی بوده و رکن روانی آن خطای جزایی محسوب می‌گردد؛ چنان‌چه قانون‌گذار افغان به «به اثر غفلت یا بی‌احتیاطی» تصریح کرده است.

نکته دیگر این است که باید بین بی‌مبالاتی یا عدم رعایت اصول حفاظتی توسط مأمور و تخلیه شدن او توسط دشمنان رابطه علیت وجود داشته باشد، تا بتوان او را مسؤول شناخت و مجازات کرد. بدین ترتیب در صورت انتفای این رابطه و همچنین در صورتی که مأمور دولتی (یا فرد نظامی) در حفظ اطلاعات مورد بحث تمام ضوابط و اصول مقرر قانونی را رعایت کرده و هیچ خطایی از او سر نزده باشد و باوجود این تخلیه اطلاعاتی شود، مسؤول نخواهد بود و نمی‌توان او را به استناد این مواد مجازات کرد؛ مثل موردی که مأموری تحت تأثیر مستی اجباری و یا در حالت خواب تخلیه شود (کرامت؛ ۱۳۸۹: ۱۲۱).

#### ۴. مجازات جرم

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ایران، ماده ۱۳ آمده است: «هر نظامی که پس از آموزش لازم در مورد حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانه‌گان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌گردد. ماده ۲۳۹ قانون جزای افغانستان متذکر است: «هرگاه مأمور، اجیر یا سایر موظفین خدمات عامه، سری از اسرار دفاعی کشور را در زمان جنگ بدون قصد تسلیم یا افشای آن را به دولت خارجی یا اشخاصی که به نفع آن دولت کار می‌کنند افشا کند، به نحوی که موقف دفاعی، سیاسی یا اقتصادی کشور را متضرر سازد، مرتکب به حبس دوام محکوم می‌شود؛ همچنین در کد جزای افغانستان در اثر غفلت یا بی‌احتیاطی موظف خدمات عامه، در ماده ۱۴۱ آمده است: «هرگاه جرایم مندرج مواد ۱۹۳ و ۱۴۱ این قانون بر اثر غفلت یا بی‌احتیاطی موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، موظف مذکور به حداکثر حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

#### ۵. جرم قیام مسلحانه

این جرم در قوانین ایران، تحت عنوان «جرم قیام مسلحانه» و در قوانین افغانستان تحت عنوان «قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان» یاد می‌شود.

#### ۱. رکن قانونی جرم

مطابق ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، یاغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

در مادهٔ یازدهم قانون جرایم نیروهای مسلح ایران آمده است: «نظامیانی که مرتکب جرایم زیر شوند در صورتی که ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و هم‌کاری با دشمن باشد، با علم به تأثیر آن در براندازی، حکم محارب‌اند و در غیر این صورت به (۱) تا (۲۱) سال حبس تعزیری محکوم می‌شوند».

در بند ۱ آن آمده است: «هر نظامی که علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید». رکن قانونی جرم قیام مسلح در کُذ جرای افغانستان، در مادهٔ ۱۹۳ است. قانون‌گذار بیان داشته، «قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان»، که این عمل خیانت ملی محسوب می‌گردد.

## ۲. رکن مادی جرم

مطابق مادهٔ ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی برای بیان مرتکب جرم از عبارت «گروه» استفاده شده؛ لذا باید از عمل مرتکبان، نه عمل مرتکب صحبت کنیم. عمل مرتکبان که قاعدتاً اعضا و هواداران گروه یا جمعیت متشکل به‌شمار می‌آیند، عبارت از قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی است. منظور از قیام مسلحانه همان است که اعضای جمعیت یا گروه مذکور با در دست‌گرفتن سلاح عملاً در مقابل حکومت اسلامی و به قصد براندازی آن، دست به عملیات نظامی بزنند. بدهی است. صدق قیام مسلحانه به عمل گروه یا جمعیت مذکور کافی است، ولی همان‌گونه که خود ماده هم تصریح دارد، لازم نیست که تک تک افرادی هم که در قیام مسلحانه شرکت کرده‌اند، مسلح باشند. قانون‌گذار افغانستان، در مادهٔ ۱۹۳ کُذ جزا، قیام مسلحانه که توسط «نیروهای نظامی» صورت گیرد را، به عنوان جرم خیانت ملی قلم‌داد کرده است؛ ولی در قانون مجازات اسلامی ایران در بیان مرتکب، از عبارت «گروه» استفاده کرده؛ اما در کُذ جرای افغانستان فعل مادی این جرم توسط نیروهای نظامی باید صورت گیرد نه گروه؛ منظور از قیام مسلحانه در کُذ جزا، این است که نیروهای نظامی با دست‌گرفتن سلاح در مقابل حکومت جمهوری اسلامی افغانستان به قصد براندازی آن، دست به عملیات نظامی بزنند. در صورتی که این قیام مسلحانه می‌تواند توسط افراد غیر نظامی هم صورت گیرد که قانون‌گذار افغانستان قیام مسلحانه را مختص به افراد نظامی کرده است؛ بنابراین، شرط صدق قیام مسلحانه در افغانستان با برداشتن اسلحه توسط نظامی‌ها برای رسیدن به نتیجه است. قانون‌گذار برای بیان موضوع جرم، یعنی آن‌چه جرم روی آن واقع می‌شود از عبارت جمهوری اسلامی استفاده کرده، به‌تر بود به جای آن از واژهٔ جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شد. همان‌طور که قانون‌گذار افغانستان این موضوع را رعایت کرده و در کُذ جزا بیان

داشته: «قیام مسلحانه یا توطئه علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور گرفتن قدرت دولتی».

### ۳. رکن روانی جرم

وجود سوء نیت عام برای تحقق این جرم لازم است؛ بنابراین، اگر در اثر شکنجه یا اکراه مبادرت به این کار کنند، جرمی محقق نمی‌شود. قصد خاص براندازی حکومت اسلامی، هم سوء نیت خاص را تشکیل می‌دهد، که وجود آن برای تحقق جرم لازم است؛ یعنی آن جمعیت قصد مقابله و ستیز با حکومت اسلامی و در نتیجه براندازی آن را دارد (پوریافرانی؛ ۱۳۹۱: ۵۵). در قوانین ایران و افغانستان موارد فوق صادق است و در جرم قیام مسلحانه وجود سوء نیت عام برای رکن معنوی لازم است. پس اگر قیام مسلحانه در اثر جبر و اکراه صورت بگیرد، مرتکب فاقد عنوان جرمی پنداشته می‌شود.

### ۴. مجازات جرم

مجازات این جرم در قانون مجازات اسلامی حکم اعدام است. هم‌چنین طبق ماده یازدهم قانون جرایم نیروهای مسلح ایران، هر نظامی که علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، حکم محارب را دارد.

در ماده ۱۹۳ کد جزای افغانستان، قانون‌گذار بیان داشته، «قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، خیانت ملی محسوب می‌شود». و مرتکب به حبس دوام درجه دو محکوم می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

در قانون اساسی ایران و افغانستان احکام دین مقدس اسلام مبنای قانون‌گذاری در عرصه‌های مختلف شناخته شده است. دلالت آیات و روایات زیادی بر حرمت تجسس و خیانت در احوال شخصیه و حریم خصوصی افراد بیان گر شدت، اهتمام اسلام به امنیت فردی و اجتماعی و تحریم عوامل اخلاط‌گر امنیت جسمی و روانی مسلمانان است. هر چند ممکن است بر تفکیک مفهوم و نتیجتاً مصادیق جاسوسی و خیانت به وطن از هم‌دیگر اثر عملی مترتب نباشد؛ ولی از نظر تحلیلی تمایز آن دو لازم است. ضرورت دارد که قانون‌گذار و به تبع آن سایرین برای بیان منظور خود از مفاهیم و اصطلاحات درست استفاده کنند. قانون‌گذار ایران نه در قانون مجازات اسلامی و نه در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح از

اصطلاح خیانت به وطن استفاده نکرده است. هم‌چنین قانون‌گذار افغانستان هم در قوانین تعریف درستی از این جرایم نداشته است. منبع این شناسایی قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح است. در رابطه بین این دو قانون نیز باید گفت اگر در مورد نظامیان حکم خاصی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح وضع نشده باشد تابع قانون مجازات اسلامی خواهند بود. به عبارت دیگر، در ارتباط با جرایم مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نظامیان اساساً تابع قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و افراد عادی تابع قانون مجازات اسلامی هستند؛ ولی اگر عملی در قانون مجازات اسلامی جرم شناخته شده باشد، نظامیان در موارد مزبور تابع قانون مجازات اسلامی خواهند بود و نمی‌توان به استدلال پیش‌بینی‌نشدن آن جرم در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح عمل نظامیان را جرم تلقی نکرد. در مورد جرم خیانت به وطن در افغانستان، قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، و کُد جزای افغانستان به جرم‌انگاری آن پرداخته است. جرایم علیه امنیت از دسته جرایم بسیار خطرناک در سطح ملی کشورها است. هدف قواعد مجازات‌های در نظر گرفته‌شده برای این قبیل جرایم از سوی قانون‌گذار، دارای خصیصه‌های منحصر به فردی است که حقوق‌دان در بررسی و تحلیل قضایی ملزم به شناخت این ویژه‌گی‌هاست. در کشور نامی مثل افغانستان که ارتکاب جرایم مختلف در آن به نسبت بالایی وجود دارد، برای برطرف کردن این معضله‌ها (تروریست‌ها، مخالفان مسلح دولت، جاسوسی نهادهای مختلف، دخالت کشورهای همسایه، ...)، طبق قاعده اهم و مهم، به‌تر است بیش‌ترین تمرکز بر روی جرایمی معطوف شود که از نگاه پیامدها و آثار مخرب، بیش‌ترین صدمات را در نتیجه وقوع خواهند داشت. در قسمت جرم‌انگاری جرایم علیه امنیت، قانون‌گذار به‌خوبی تمامی اقسام جرایم علیه امنیت را تبیین کرده است.

## سرچشمه‌ها

۱. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۴). **حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات میزان.
۲. پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۱). **تحلیل جرم قیام مسلحانه**. تهران: انتشارات گل سرخ.
۳. پیمانی، ضیاءالدین. (۱۳۷۵). **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**. تهران: نشر میزان.
۴. حبیبی، ضامن علی. (۱۳۹۶). **جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی در حقوق جزای افغانستان**. کابل: مؤسسه انتشارات مقصودی.
۵. دانش، سرور. (۱۳۸۹). **حقوق اساسی افغانستان**. کابل: نشر مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۶. رحمدل، منصور. (۱۳۹۴). **جاسوسی و خیانت به کشور**. تهران: انتشارات میزان.
۷. زراعت، عباس. (۱۳۸۶). **حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات ققنوس.
۸. شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۴). **حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات مجمع علمی - فرهنگی مجد.
۹. صادقی، حسین. (۱۳۸۳). **جرایم علیه امنیت و آسایش**. تهران: انتشارات میزان.
۱۰. طلایی، جعفر. (۱۳۸۱). «**قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح**». تهران: مجله دادرسی.
۱۱. کرامت، قاسم. (۱۳۸۹). **جرم بی‌مبالاتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده**. تهران: انتشارات پیام نور.
۱۲. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). **بایسته‌های حقوق جزا**. تهران: انتشارات میزان.
۱۳. هوشیار، مهدی. (۱۳۸۷). **تسلیم نقشه و اسرار مربوط به سیاست داخلی یا خارجی کشور**. تهران: انتشارات نگاه دانش.
۱۴. یزدانیان، محمد رضا. (۱۳۸۳). **شرح قانون مجازات نیروهای مسلح**. تهران: نشر میزان.